

نگاهی به حیات احزاب سیاسی در جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

محمد رستگار

به دنبال فروپاشی شوروی و پایان سلطه تک حزبی، احزاب جمهوری آذربایجان پس از کسب استقلال ملی در این کشور یکی پس از دیگری تاسیس شدند. احزاب سیاسی جمهوری آذربایجان به دنبال کسب استقلال ملی در سال 1991 و فروپاشی نظام تک حزبی شوروی شکل گرفتند و جمهوری آذربایجان نیز که همانند دیگر جمهوری های تازه استقلال یافته فاقد تجربه لازم برای نظام چند حزبی بوده با فراز و فرودهایی در این مسیر مواجه شد .

فروپاشی شوروی در واقع به نظام تک حزبی در جمهوری آذربایجان پایان داد و کسب استقلال ملی پایه ایجاد احزاب مختلف را در این کشور بنیان گذاشت. "حزب کمونیست" در زمان شوروی به عنوان تنها تشکیلات سیاسی در تمامی جمهوری های سوسیالیستی از جمله جمهوری آذربایجان فعالیت داشت که به طور قاطعانه از تاسیس

هر گروه یا تشکیلات سیاسی در این کشور جلوگیری و در صورت یافتن نشانه هایی از فعالیت گروه ها به شدت با بنیان آنها برخورد می کرد. آغاز "پروسترویکا" تحرکی به فعالیت نیروهای سیاسی دگراندیش دربرخی جمهوری های واقع در قلمرو شوروی بخشید تا این که در اواخر دهه 80 و اوایل دهه 90 میلادی در کشورهای حوزه بالتیک، گرجستان ، اوکراین، بلاروس و جمهوری آذربایجان تشکل جدید سیاسی به عنوان " جبهه خلق" که در واقع مخالف سیاست حزب کمونیست در شوروی به شمار می آمد، تاسیس شد.

تاسیس جبهه خلق در جمهوری آذربایجان در اوایل دهه 90 میلادی نخستین گام برای برقراری نظام چند حزبی در این جمهوری بود که این نیروی سیاسی به یکی از منتقدان تند در مقابل رژیم کمونیستی درآمد و از حمایت گسترده مردمی نیز برخوردار شده بود و تصادفی نیست که جبهه خلق جمهوری آذربایجان پس از یک سال از استقلال این کشور یعنی در سال 1992 میلادی به قدرت رسید.

در مدت کوتاهی از این رخداد سیاست غلط مسوولان جبهه خلق موجبات نا امیدی مردم از حکومت تشکیل شده توسط این نیروی سیاسی جدید را فراهم آورد که منجر به سقوط حکومت وابسته به جبهه خلق در سال 1993 میلادی و روی کار آمدن "حیدر علی اف" از رهبران سابق نظام کمونیستی و یکی از سیاستمداران اصلی شوروی شد.

روی کار آمدن "حیدر علی اف" در پی دعوت مردم برای به دست گرفتن قدرت از سوی وی در سال 1993 میلادی صورت گرفت. سقوط حکومت وقت جبهه خلق در واقع به تشکیل احزاب سیاسی جدید و متعدد در جمهوری آذربایجان تحرک بخشید و از اواخر سال 1992 و اوایل سال 1993 میلادی تعدادی

احزاب سیاسی با گرایشات مختلف منشعب شده از جبهه خلق از جمله احزاب استقلال ملی ، مساوات ، سوسیال دموکرات و چند حزب سیاسی دیگر اعلام موجودیت کردند. علی اف رییس جمهوری فقید جمهوری آذربایجان با رسیدن به قدرت در سال 1993 میلادی در این کشور جایگاه حزب تاسیس شده " آذربایجان نوین" توسط خود را در جامعه این کشور بیش از پیش تقویت کرد.

در حال حاضر تعداد اعضای این حزب حاکم جمهوری آذربایجان بنا به اظهار مسوولان حزب متجاوز از 500 هزار نفر است. همچنین طی سال های نخست استقلال جمهوری آذربایجان برای اولین بار حزبی با گرایشات دینی و اسلامی با عنوان "حزب اسلامی" در این کشور تاسیس و فعالیت چشمگیری

از خود نشان داد، به طوری که مجموع اعضای این حزب در دوره اولیه استقلال بیش از 70 هزار نفر اعلام شد. بازداشت و زندانی شدن تعدادی از اعضا ، هواداران و رهبران وقت حزب اسلامی در سال 1996 به اتهام فعالیت های جاسوسی به نفع یک کشور همسایه لطمه قابل توجهی به فعالیت آینده این حزب سیاسی داشت که در زمان حاضر نیز همانند سایر احزاب سیاسی جمهوری آذربایجان در ضعف بسر می برد که البته این وضعیت دلایل دیگری هم دارد که به آن اشاره خواهد شد.

تشکیل احزاب سیاسی در اولین سالهای استقلال جمهوری آذربایجان توجه غرب از جمله آمریکا را که از سالها پیش در آرزوی نفوذ ، حضور و تحکیم جایگاه خود در میان کشورهای منطقه قفقاز از جمله جمهوری آذربایجان بود، به خود معطوف کرد.

کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا ، همزمان با تلاش برای برقراری روابط خوب با دولت جمهوری آذربایجان به حمایت غیرعلنی با برخی احزاب سیاسی مخالف دولت پرداختند که این احزاب بعدها در جامعه این کشور به نام نیروهای سیاسی غربگرا نامیده شدند.

به طور کلی در جامعه جمهوری آذربایجان در زمان حاضر نزدیک به 52 حزب سیاسی مطرح است که آنها را به طور کلی می توان به "احزاب وابسته به دولت" ، " احزاب غربگرا و مخالف دولت" ، " احزاب چپ گرا" و "احزاب با گرایشات دینی" تقسیم بندی کرد.

در احزاب وابسته به دولت ، همان طوری که گفته شد حزب حاکم " آذربایجان نوین" با توجه به حمایت گسترده دولت و برخورداری از امکانات مالی لازم جایگاه خاصی در صحنه سیاسی جمهوری آذربایجان دارد و علاوه بر آن احزاب "آنا وطن" ، "سوسیال رفاه" و "معاصر مساوات" نیز به طور آشکار از سیاست دولت حمایت می کنند.

به اعتقاد بیشتر کارشناسان مسایل سیاسی، در جمهوری آذربایجان برخی احزاب سیاسی فعال نیز وجود دارند که خود را مخالف دولت معرفی ولی پشت پرده از سیاست دولت حمایت می کنند که حزب "همبستگی شهروندی" ، "نظام بزرگ" ، "جبهه خلق واحد" ، "عدالت" ، "یوردداش" ، "دمکراتهای اصلاح طلب" و " امید" از این دسته احزاب به شمار می آیند.

احزاب غربگرا و مخالف دولت باکو نیز شامل احزاب " مساوات " ، " جبهه خلق " ، " استقلال ملی " ، " دمکرات " ، " جامعه آزاد " ، " لیبرال " از اصلی ترین احزاب غربگرای فعال در جمهوری آذربایجان محسوب می شوند که در این کشور فعالیت دارند.

احزاب چپگرا یا احزاب با گرایشات چپ احزاب "سوسیال دموکرات" ، "کمونیست" ، "سبزها" را شامل می شوند. احزاب با گرایشات دینی نیز در واقع متشکل از نیروهای سیاسی منشعب شده از حزب اسلامی جمهوری آذربایجان به نام های "فضیلت" و "دمکراسی اسلامی" می باشد که غیر از

حزب اسلامی فعالیت احزاب دیگر چندان هم محسوس نمی باشد. به طور کلی در جمهوری آذربایجان تا انتخابات ریاست جمهوری سال 2003 میلادی همزمان با حزب حاکم " آذربایجان نوین" ، فعالیت چند حزب اصلی مختلف دولت و غربگرا از

جمله احزاب مساوات به رهبری " عیسی قنبر " رییس مجلس ملی حکومت جبهه خلق در سال 1992 میلادی ، " دمکرات " به رهبری " رسول قلی اف " رییس اسبق مجلس ملی و مقیم آمریکا، " جبهه خلق" به رهبری "علی کریملی" ، " لیبرال " به رهبری خانم "لاله شوکت حاجی اوا" و "استقلال ملی" به رهبری "اعتبار محمداف" در جامعه این کشور بیشتر به چشم می خورد.

دیدگاه عموم جامعه بر این است که احزاب غربگرای "مساوات" ، "دمکرات" ، " جبهه خلق " ، " لیبرال " و " استقلال ملی " با فعالیت های سیاسی خود مشکلات جدی را برای دولت وقت باکو ایجاد کرده اند.

عیسی قنبر رهبر حزب مساوات که با حمایت چند حزب غربگرای مخالف دولت در انتخابات ریاست جمهوری سال 2003 میلادی رقیب اصلی " الهام علی اف " رییس جمهوری

آذربایجان که پس از درگذشت پدرش برای نخستین بار در این انتخابات شرکت کرده بود. در نتیجه تبلیغات احزاب غربگرا به بخش قابل توجهی از جامعه جمهوری آذربایجان این باور القا شده بود که با رویکرد به غرب و برقراری مناسبات نزدیک با آمریکا و دیگر کشورهای غربی می توان مشکلات اصلی این کشور از جمله مناقشه قره باغ را حل کرد. در جامعه جمهوری آذربایجان در نتیجه این تبلیغات غلط چنین نظراتی وجود داشت که از طریق جلب کشورهای غربی به مشارکت نزدیک در طرح های انرژی جمهوری آذربایجان می توان از حمایت های آنها برای حل مناقشه قره باغ استفاده کرد. با گذشت سال ها و بهره مندی کشورهای غربی از طرح های انرژی جمهوری آذربایجان و بی نتیجه ماندن مناقشه قره باغ ، سوالاتی را در بخشی از جامعه جمهوری آذربایجان ایجاد کرد. با این حال احزاب غربگرا که در انتخابات ریاست جمهوری سال 2003 میلادی با شکست جدی روبه رو شده بودند ، سعی کردند در انتخابات پارلمانی این شکست را جبران و برای جلب توجه جامعه به سوی خود بار دیگر قصه های واهی در باره حمایت غرب از این احزاب برای برقراری و توسعه دموکراسی در جمهوری آذربایجان را به راه انداختند. این احزاب هرچند در مقابل دولت به صورت ظاهری متحد بودند، ولی تیرگی و اختلافات در میان آنها نمایان بود و در چنین شرایطی حزب حاکم "آذربایجان نوین" که از حمایت های همه جانبه دولت برخوردار بود در انتخابات پارلمانی سال 2005 میلادی و در شرایط نبود هیچ اختلافات درونی به طور قاطع و یکپارچه شرکت و به پیروزی دست یافت. شکست دوباره احزاب غربگرا در انتخابات پارلمانی سال 2005 میلادی و سرکوب شدن تظاهرات اعتراض آمیز آنان در ماه نوامبر همان سال موجبات ناامیدی آنان و آن بخش از جامعه که از غرب و این احزاب حمایت می کردند، شد. پس از انتخابات پارلمانی سال 2005 میلادی در میان آن قشر جامعه جمهوری آذربایجان که تنها راه آینده این کشور را در برقراری مناسبات نزدیک با غرب می دانستند، یک نوع بی اعتمادی به غرب و آمریکا و به طور کلی به احزابی که در جمهوری آذربایجان از غرب حمایت می کردند ، ایجاد شد. این مساله به جایی رسید که حتی رسانه های وابسته به این احزاب نیز در گزارش های خود اعلام کردند که غرب فقط به دنبال منافع خاص اقتصادی خود در جمهوری آذربایجان است. این در حالی است که دولت جمهوری آذربایجان نیز تلاش این احزاب را در جهت منافع شخصی و گروهی خود و تلاش برای ایجاد بی ثباتی در کشور و رسیدن به قدرت با توسل به این قبیل روشها متهم کرد. دولت جمهوری آذربایجان پس از سرکوب کردن تظاهرات اعتراض آمیز مخالفان در ماه نوامبر سال 2005 میلادی از آن پس نیز از انجام هر گونه تظاهرات و اعتراضات از سوی این احزاب به طور جدی جلوگیری کرد. برخی کارشناسان معتقدند که دولت باکو پس از انتخابات پارلمانی سال 2005 میلادی تصمیم جدی به اعمال نظارت بر فعالیت احزاب سیاسی در این کشور گرفت و اکنون نیز زمره هایی مبنی بر ساماندهی احزاب در جمهوری آذربایجان شنیده می شود. جلوگیری از هر گونه تظاهرات و تجمع، مسدود کردن منابع تامین مالی این احزاب، کاهش فعالیت های آنها، ایجاد احزاب جدید سیاسی از جمله سیاست های دولت در این باره بوده و دولت پس از گذشت بیش از سه سال از انتخابات پارلمانی به تحقق این سیاست نایل شده است. در زمان حاضر در جمهوری آذربایجان و در آستانه انتخابات پارلمانی سال 2010 میلادی فعالیت احزاب سیاسی مخالف دولت در مقایسه با سالهای قبلی کاهش یافته و این در حالی است که احزاب غربگرا اعتماد مردم را به طور جدی از دست داده اند. این در حالی است که همکاری احزاب غربگرا برای جبران جایگاه از دست رفته خود در جامعه و برگزاری چند تظاهرات با شعارهای بهبود وضع اقتصادی مردم به نتیجه ای نرسیده و شهروندان جمهوری آذربایجان با عدم حضور در این تظاهرات ها ناامیدی بیش از پیش این احزاب را فراهم کردند. به عقیده کارشناسان ، سیاست های دولت در باره احزاب سیاسی، تاثیرات منفی نیز بر احزاب چپ و نیروهای با گرایش دینی داشته و فعالیت آنها هم در جامعه این کشور چندان محسوس نمی باشد. بر خلاف این وضعیت ایجاد شده ، غرب به حمایت های پشت پرده خود از احزاب غربگرا در جمهوری آذربایجان همچنان ادامه می دهد و ادامه فعالیت دفاتر این احزاب و رسانه های وابسته به آنها در این کشور حکایت از این حمایت ها دارد. در زمان حاضر می توان گفت که دولت به انجام نظارت جدی بر فعالیت احزاب سیاسی در جمهوری آذربایجان نایل شده و حزب حاکم و چند حزب دیگر وابسته به دولت جریان امور را در دست دارند. پایان پیام.